

سبك، لباس اندیشه

اشاره:

از عناصری که اثر يك نویسنده را نسبت به دیگران متمایز و برجسته می‌کند ویژگی سبك، شیوه بیان و نحوه بکارگیری زبان توسط اوست. در اینکه سبك چیست و از چگونه ماهیتی برخوردار است نظرات متفاوتی است که در این شماره به اختصار آنها را مرور می‌کنیم.

سبك فیزیونومی فکر است و حتی از چهره آدمی برای درک شخصیت، فهرست مطمئن تری است.

شوپنهاور

سبك چیزی اضافه شده بر نوشته و یا قالبی از ادبیات نیست که بتوان اثر را در آن جای داد. سبك کیفیتی است که در ذات اثر هست البته اگر اصلاً آن اثر سبك داشته باشد.

افلاطون

سبك نکته‌ای باریکتر از مویست که صاحب دید و بصیرت خاص در درون خود است.

پیترو

سبك مکاشفه‌ای است که شخص معینی را به هنر آفرینی یا نوشتن وا می‌دارد؛ وسیله‌ای است که خود آن شخص، آن را پیدا می‌کند. خواه کاملاً طبیعی و یا بخشی از آن، ناشی از تقلید و دنباله‌روی باشد.

پیترو وستلند

سبك خود انسان است.

سبك طریق دیدن است.

بوئن

سبك طریقه فکر کردن یا احساس کردن است.

فلو بر

سبك عبارت از آن چیزی است که همه شرایط حساب شده را برای آفرینش تمام آن تأثیری که اندیشه باید بیافریند، فراهم می‌کند.

استاندرل

سبك لباس اندیشه است.

الکساندر پوپ

سبك یعنی تبدیل اندیشه به کلام مکتوب.

کاردینال نیومن

سبك نتیجه يك گزینش. پس عرصه آزادی است. اما این آزادی در اندرون مرزهای محدود نظام اعمال می‌شود.

گیرو

سبك هر قدر بیشتر پیوند خود را با ساختارهای منظم و شناخته زبان بگسلد، معانی ضمنی تازه‌تری را می‌تواند در برگردد.

کوهن

سبك فقط از ارزشهای درونی پدیدار می‌شود.

رولان پارت

سبك وسیله‌ای است که بواسطه آن نویسنده یا رمز نویس، اطمینان حاصل می‌کند که پیامش طوری از صورت رمز خارج می‌شود که خواننده نه فقط اطلاعات منتقل شده را می‌فهمد، بلکه در رفتار نویسنده نسبت به آنها سهیم می‌شود.

ریفاتر

سبك همان طوری که عده‌ای معتقدند تزیین نیست حتی مربوط به تکنیک هم نیست. سبك همانطور که رنگ در مورد نقاشان يك کیفیت دید است روشن شدن دنیای خاصی است که هر کدام از ما می‌بینیم و دیگران نمی‌توانند ببینند.

مارسل پروست

سبك شبکه به هم در بافته تارها یا همان انگاره است، شبکه‌ای یکجا و همزمان هم شورانگیز و هم منطقی، بافته‌ای هم زیبا و مجلل و هم آبدستن احساس و اندیشه؛ آری این است آنچه سبکش می‌نامند، هم این است آنچه بنیاد هنر ادبیاتش می‌خوانند.

لوئی استیونسون

سبك را فقط می‌توان در چیزی یافت که جهانی باشد، چیزی که همه می‌توانند آن را ببینند - دست کم موقعی که مخاطبان يك اثر در مقام ناظران دست دوم هستند، مثل يك نویسنده که خود ناظر دست دوم است و در چنین وضعی سبك از طریق ویژگی‌های فردی شخص، به بیان در می‌آید.

میدلتون موری

هر چه ذهن با حساسیت‌ها و ادراکات درونی و فردی شخص ارتباط بیشتری داشته باشد، درست به همان اندازه، سبك یا نیروی تجسم اندیشه‌ها استقلال بیشتری پیدا خواهد کرد و از يك حالت صرف اضافه بودن، بیرون خواهد آمد.

دوگوئینی

دقت و تمرکز در شیوه نوشتن نتیجه‌اش این است که سبك به کمال ظرافت کاری خود دست یابد و اگر با احساس مزاحمت و مانعی توأم نبود، لازم است که در عالیترین درجه احساس و قدرت خود جلوه گر شود.

لوئیس استیونس

سبك قدرتی است که نویسنده از طریق آن می‌تواند هرگونه اندیشه یا احساسی را به آسانی، با لذت و با دقت لمس کند.

کویرل کاوچ

فلز خوب شده را در قالب ریختن روش خاصی که شاعر یا نویسنده ادراک و احساس خود را بیان می‌کند؛ طرز بیان ما فی الضمیر.

فرهنگ معین

زبان سیاه‌های از امکانات فراهم می‌آورد. این امکانات همان سرمایه همگانی است که در اختیار همه بهره برداران گذاشته شده است. بهره‌برداران به حسب نیازهای بیانی خود، از این سرمایه برمی‌گیرند، و تا آنجا که قوانین زبان به آنان اجازه می‌دهد، گزینشی به عمل می‌آورند که همان سبك است.

ماروزو

سبك همان شخصیت فرد است.

بوفون